

قهرمان رؤیاهایت باش

هنگامه بدی همی که و ایاور نوار بویست که استیاء و

© 2000 The McGraw-Hill Companies

www.pearsoned.com.au

10

100

یک تابلوی قدیمی با صحنه‌ای از یک

ف: شمس الہی الخدی

مجلس شورای اسلامی

2

زنگنه یا درسی ساده نبودن بهشان

IN

آدمهای ساده را دوست دارم

2008-09-01

سرشناسه: کاظمی، شمس‌اله، ۱۳۵۵ -

عنوان و نام پدیدآور: قهرمان رؤیاهایت باش / تألیف شمس‌اله کاظمی
مشخصات نشر: ایلام: شمس‌اله کاظمی، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۲۱۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۶۵۳۴-۶

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: کتاب‌نامه

موضوع: موفقیّت - ثبت‌نگری

موضوع: موفقیّت - خدش‌سازی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ / ۸ ک ۸۶۳۷ / BF۶۳۷

رده بندی دیویی: ۵۸ / ۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۰۰۴۸۷۸

قهرمان رؤیاهایت باش

مؤلف: شمس‌اله کاظمی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰۰۰

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۶۵۳۴-۶

مراکز فروش: ۰۹۱۸۳۴۳۷۲۲۱

مقدمه.....	۹
فصل ۱- رؤیاهایت را دنبال کن.....	۲۳
فصل ۱-۱- از قاتلین رؤیاهایتان فاصله بگیرید.....	۳۳
فصل ۲- رؤیاء دیوید بکهام اسطوره فوتبال انگلیس و جهان.....	۴۱
فصل ۴- هنری فو، مدی با رؤیاهای بزرگ.....	۴۵
فصل ۵- سرشار از امید باش.....	۶۷
فصل ۶- دلیو میچل، مدی که به گز تسلیم نشد.....	۷۳
فصل ۷- توماس ادیسون، نمای امید در زندگی.....	۷۷
فصل ۸- ناامید مباش، دنیا با ماست.....	۹۷
فصل ۹- رؤیاهای هین واگنر، قهرمان ماراتن آلمان.....	۱۰۱
فصل ۱۰- والت دیسنی تصویرساز رؤیاها.....	۱۰۹
فصل ۱۱- ویکتور فرانکل در اردوگاه مرگ.....	۱۲۱
فصل ۱۲- رؤیاها بذره‌های کوچک خوشبختی هستند.....	۱۷۳
فصل ۱۳- رؤیاها و آرزوهای خود را به هدف تبدیل کنید.....	۱۸۳
فصل ۱۴- رؤیاها و آرزوهای من.....	۱۹۱
منابع و مآخذ.....	۲۰۳

رؤیاهای بزرگ تو،
تو را بزرگ می‌کند.
رؤیاها و آرزوهای بزرگ پالایش‌های بزرگند.

هر چه پالایش‌های تو بزرگ‌تر باشند،
استعدادهای تو بیش‌تر به فعلیت خواهند رسید.

قلعه‌ها هر چه دورتر باشند،
پاهای تو قوی‌تر خواهند شد.
تو برای رسیدن به قلعه‌های دورتر،
همه‌ی امکانات کوچک و بزرگ خود را به کار خواهی گرفت.
مهم نیست به قلعه‌های دور خواهی رسید یا نه.
مهم آن است که سعی در رسیدن به قلعه‌های دور،
تو را قوی‌تر خواهند کرد.

مارکوس اورلیوس^۱ می‌گوید: «فقط رؤیاهای بزرگ می‌توانند روح انسان‌ها را
به حرکت درآورند».

^۱ - مارکوس اورلیوس آنتونیوس (به لاتین: Marcus Aurelius Antoninus) امپراتور روم است. او یکی از «پنج امپراتور خوب» و یک فیلسوف رواقی است. وی در ۲۶ آوریل سال ۱۲۱ میلادی زاده شد. مارک اورل در ۱۷ مارس ۱۸۰ میلادی به بیماری تیفوس درگذشت. مارکوس اورلیوس نقش برجسته‌ای در آخرین دوره جنگ‌های رم علیه پارت‌ها داشت. او کتاب تأملات (به انگلیسی: Meditations) را در میان سال‌های ۱۷۰ تا ۱۸۰ در حالی که روم در حال جنگ بود، تألیف کرد.

همه چیز از ذهن‌تان شروع می‌شود و بعد به واقعیت تبدیل می‌شود. حالا که این واقعیت را می‌دانید، به قوه تخیل خود پر و بال دهید و اجازه دهید رؤیا بیافد. دوست دارید کجای این دنیا بایستید. دوست دارید که باشید؟ تا زمانی که جوابی برای این سؤال نداشته باشید، هیچ تغییر قابل توجهی در زندگی‌تان اتفاق نمی‌افتد.

رؤیایتان را با پرداختن به موضوعات کوچک و در دسترس هدر ندهید. رؤیایی که به ذهن شما پا می‌گذارد، باید آن‌قدر بزرگ باشد که ارزش انتظار و دویدن برای رسیدن را داشته باشد. وقتی رؤیایی را در ذهن‌تان می‌بافید، باید قبل از اینکه کسی به سمتش برده‌اید از خود بپرسید «که چی؟»، «وقتی به رؤیایم رسیدم به اتفاقی در زندگی‌ام می‌افتد؟» اگر پاسخی که به این سؤال‌ها می‌دهید، به جای متوقف شدن، رؤیابافی، ذهن‌تان را برای پر و بال دادن به آن تشویق می‌کند، یعنی رؤیای ناب بیافتد. حالا که تاب بودن رؤیایتان را باور کرده‌اید، نیمی از مسیر را بری رسیدن به آن پیموده‌اید. گوته، شاعر، داستان‌نویس و منتقد بزرگ آلمانی در این باره می‌گوید: «رؤیاهای کوچک در سر نپروانید. زیرا رؤیاهای کوچک قدرت آن را ندارند که قلب شما را تکان دهند».

روانشناسی هم بر این مطلب تأکید دارد که اگر انسان به سمت راه هدف‌های جدید و بزرگی را دنبال کند زندگی‌شان پرمعنا و زیبا می‌شود. اگر احساس می‌کنید باید بهتر و بالاتر از آنچه هستید بشوید این احساس مقدس را گرامی بدارید و آن را ارج بنهید زیرا این نقطه آغاز موفقیت شماست.

از داستان زندگی انسان‌های بزرگ الهام بگیرید. با این حال در اینجا یک نکته کلیدی وجود دارد: «داستان‌های آن‌ها را به عنوان یک فرد تماشاگر نخوانید. خودتان را جای آن‌ها بگذارید. خودتان را در موقعیت آن‌ها تصور کنید که با چالش‌ها مقابله کرده و با توقعات مبارزه می‌کنید. این کار به شما الهام می‌بخشد. رؤای بزرگ‌تری را برای خود انتخاب کنید».

روزی از مردی که در حرفه خود بسیار موفق بود پرسیدند: «چگونه در این مدت کم این همه کارهای بزرگ انجام داده‌ای؟».

او در پاسخ گفت: «من رؤیا دیدم، و تصمیم گرفتم، تا رؤیای خود را دور نریزم. سپس به خواب رفتم و در مورد رؤیای خود فکر کردم؛ و به خواب رفتم؛ و خواب رؤیای خود را دیدم زمانی که از خواب بیدار شدم راه تبدیل آن رؤیاها به واقعیت را پیدا کردم. در حالی که دیگران به من می‌گفتند تو نمی‌توانی این کار را انجام دهی من با شدت بیشتر برای رسیدن به آنچه می‌خواستم کار می‌کردم تا به این موفقیت‌ها رسیدم. یادم هست که شخصی می‌گفت مردان بزرگ رؤیای بزرگ دارند».

توماس ادیسون^۱ مخترع نامدار آمریکا ساختن لامپ را در رؤیای خود داشت. می‌خواست لامپی بسازد که با برق روشن شود. او مصمم شد که ریاضیات

^۱ - توماس آلوا ادیسون (به انگلیسی: Thomas Edison) (زاده ۱۱ فوریه ۱۸۴۷ - مرگ ۱۸ اکتبر ۱۹۳۱) مخترع و بازرگان آمریکایی بود. وی وسایل متعددی را طراحی یا کامل کرد که مهم‌ترین و معروف‌ترین آن‌ها لامپ رشته‌ای است.

هنگامی که ادیسون در دوره ابتدایی درس می‌خواند مدیر مدرسه وی اعتقاد داشت که ادیسون شاگرد کودنی است و عذر وی را از مدرسه خواست. ادیسون در طول حیات علمی خویش توانست ۲۵۰۰

جامه عمل بپوشاند و با آنکه بیش از ده هزار بار شکست خورد، آنقدر ایستاد تا موفق گردید.

مدت‌ها بود که مخترع معروف توماس ادیسون در حال آزمایش و تلاش این بود که بتواند از برق روشنایی بگیرد. روزی خبرنگاری از او پرسید: «آقای ادیسون، تا کنون تلاش‌های بسیاری برای این منظور کرده‌اید و تا آنجا که می‌توانم حدود ۹۰۰۰ آزمایش انجام داده‌اید اما همه آن‌ها با شکست مواجه شده است. همان‌طور که می‌دانید همه دانشمندان امروز به این معتقد هستند که بشر هرگز قادر نخواهد بود که از برق روشنایی بسازد و این سرنوشت انسان است که تا ابد با سوخت طبیعی تاریکی‌ها را روشن کند. با این وجود شما باز هم دست از تلاشتان بر نمی‌دارید؟».

ادیسون در حالی که با آن خبرنگار لبخند می‌زد پاسخ داد: «پسرم، من ۹۰۰۰ بار شکست نخورده‌ام بلکه ۹۰۰۰ بار راه‌هایی را پیدا کردم که به اختراع لامپ منجر نمی‌شود!».

اندکی بعد توماس ادیسون موفق شد اولین لامپ الکتریکی خود را از نیروی برق بسازد.

امتیاز اختراع را در ایالات متحده‌ی آمریکا، بریتانیا، فرانسه و آلمان به نام خود ثبت کردند که رقیب جیرت‌انگیز و باورنکردنی به نظر می‌رسد. دهنی ذغالی تلفن، ماشین چاپ، میکروفن، گرامافون، دیکتافون، کیتوسکوپ (نوعی دستگاه نمایش فیلم)، دینام موتور و لاستیک مصنوعی از جمله مواد و وسایلی هستند که بدست ادیسون و همکارانش ابداع یا بهینه شدند.

ادیسون از اولین مخترعانی بود که توانست با موفقیت، بسیاری از اختراعات خود را به تولید انبوه برساند.

لئونارد داوینچی^۱ نابغه‌ی بزرگ نقاشی و مجسمه‌سازی قرن ۱۵ میلادی ایتالیا در دوازده سالگی با خود این گونه پیمان بست: «روزی من یکی از بزرگ‌ترین هنرمندان تاریخ جهان خواهم شد و با شاهان زندگی خواهم کرد و هم‌نشین شاهزادگان خواهم شد!».

نقل است که در اواخر سال ۱۸۰۰ میلادی یک اسقف سرشناس به تمام قسمت‌های ایالات متحده سفر کرد و با رهبران دینی و دانشگاهیان به بحث و تبادل نظر می‌پرداخت. در یکی از توقف‌هایش از او دعوت شد تا با چند نفر از رهبران صومعه نام‌رئیسیافت شام شرکت کند. هنگام صرف شام از اسقف اعظم پرسیدند: «فکر می‌کنید در آینده وضعیت ما چگونه می‌شود؟»

او بعد از کمی تأمل می‌گوید: «آینده بسیار تاریک و سرد می‌بینم، هر آن چه را که باید کشف می‌شد، کشف کنیم و هر آن چه لازم به ساخت بود، ساخته

^۱ - لئوناردو دی سر پیرو داوینچی (۱۵ آوریل ۱۴۵۲ - ۲ مه ۱۵۱۹) دانشمند، نقاش، مجسمه‌ساز، معمار، موسیقی‌دان، ریاضی‌دان، مهندس، مخترع، آناتومیست، زمین‌شناس، نقشه‌کش، گیاه‌شناس و نویسنده ایتالیایی دوره رنسانس بود. از او به طور گسترده بزرگترین نقاش نابینا یاد می‌کنند. عده‌ای نیز او را با استعدادترین شخصی می‌دانند که تا کنون در این جهان زندگی کرده است. وی فردی بی‌نهایت خلاق و کنجکاو بود. او نظریات خود را در مجموعه یادداشت‌هایی به بالغ و جوانان صفحه می‌باشند، ثبت کرده است. او طرح‌های مبتکرانه‌ای را برای ساخت سلاح‌هایی مدرن، تورهای بار، ماشین‌های پرنده و ادوات زمینی ارائه کرده بود. هرچند که بسیاری از آن‌ها هرگز ساخته شدند.

داوینچی اولین طراح هواپیما و صدها اثر معماری دیگر به شمار می‌رود. یکی از طرح‌های ابتکاری او لباس غواصی و زیر دریایی جنگی است. او همچنین مسلسل، تانک نظامی، ساعتی که به ساعت داوینچی معروف است، کیلومتر شمار و چیزهای دیگر را طراحی یا اختراع کرد و با استفاده از خط معکوس برای طراحی‌های خود یادداشت‌هایی را نوشته است، که آن‌ها را فقط در مقابل آینه می‌توان خواند. شهرت جهانی داوینچی بیشتر به خاطر نقاشی‌های شام آخر و مونالیزا است.

۱۴ قهرمان رویاهایت باش

شده است و دیگر فکر نمی‌کنم هیچ چیزی برای اختراع کردن وجود داشته باشد».

یکی از حضار گفت: «اما من فکر می‌کنم که باید بشر روزی یاد بگیرد که مثل پرنده پرواز کند!».

اسقف گفت: «تو دیوانه‌ای! تنها فرشتگان مستحق پرواز کردن هستند».

یزن را گفت و با عصبانیت هر چه تمام‌تر از اتاق خارج شد.

شاید تعجب کنید اگر بدانید نام خانوادگی اسقف «رایت» بود.

ساله بعد، بر و الیور - پسران اسقف اعظم - در لجن‌زارهای بادگیر منطقه «کیتی هاب» که در آمریکا رویای پرواز را تحقق بخشیدند.

برادران رایت سر رؤیای ساختن ماشینی بودند که در هوا پرواز کند. حالا هرکس در هر جای دنیا می‌آید که آن‌ها رویاهایشان را به حقیقت پیوند دادند. پرواز رویای همیشگی انسان بود. حتی انسان‌های اولیه همواره در تلاش بودند که این آرزوی دیرینه پرواز را تحقق کنند تا جایی که حتی آن را به تصویر می‌کشیدند.

آن‌ها گاه ساعت‌ها محو پرواز زیبای پرندگان می‌شدند و همیشه صدای آه حسرتشان بلند بود.

^۱ - برادران رایت، اوریل رایت (به انگلیسی: Orville) متولد ۱۹ اوت ۱۸۷۱ (۱۶ ساله)، در گذشته در ۳۰ ژانویه ۱۹۴۸ (میلادی) و ویلبر رایت (به انگلیسی: Wilbur) متولد ۱۶ آوریل ۱۸۶۷ (میلادی) در گذشته در ۳۰ می ۱۹۱۲ (میلادی) دو برادر آمریکایی اهل اوهایو بودند که به خاطر اختراع اولین هواپیمای قابل کنترل موتوردار و سنگین‌تر از هوا در تاریخ ۱۷ دسامبر ۱۹۰۳ (میلادی) مشهور شدند. آن‌ها سال‌ها بر روی گلابدرها و وسایل نقلیه مشابه قبل از نخستین پروازشان کار می‌کردند. آن‌ها همچنین به خاطر ابداع اولین روش منطقی برای هدایت هواپیما شهرت دارند.

حدود صد سال پیش ویلبر و اروین رایت در ایالت اهایو آمریکا بدون داشتن مدرک دانشگاهی و پول هنگفت، در کارگاه کوچک خود وسیله‌ای را اختراع کردند که بشر را به آرزوی دیرینه خود یعنی پرواز در دل آسمان‌ها رساند. آن‌ها در روز ۱۷ دسامبر ۱۹۰۳ در یک صبح پنجشنبه رؤیایی موفق شدند، هواپیمای یک موتوره خود را برای چهار مرتبه در آسمان به پرواز درآورند و نام خود را برای همیشه در صدر فهرست پرندگان انسان‌نما به ثبت رسانند. در روزگاران قدیم پس از جوانی زندگی می‌کرد که نامش ناپلئون^۱ بود. او هر روز ساعت‌ها و ساعت‌ها در رؤیای خود به هدایت و رهبری ارتش خود می‌پرداخت و اروپا را فتح می‌کرد و بقیه این داستان را در تاریخ بخوانید!

^۱ - ناپلئون یکم یا ناپلئون بناپارت (به فرانسه: Napoléon Bonaparte) (زاده ۱۵ اوت ۱۷۶۹ میلادی - درگذشته ۵ مه ۱۸۲۱ میلادی)، به عنوان نخستین امپراتور فرانسه در فاصله سال‌های ۱۸۰۴ تا ۱۸۱۵ میلادی بر این کشور حکومت کرد و نقش بسزایی در تاریخ اروپا ایفا نمود. ناپلئون در جزیره کرس متولد شد و به عنوان افسر توپخانه تعلیم دید. وی تابع بعد از انقلاب کبیر فرانسه به تدریج رشد کرد و در جنگ‌های مختلف فرماندهی نیروهای فرانسوی را بر عهده داشت. در سال ۱۷۹۹، ناپلئون طی کودتای ۱۸ برومر خود را به عنوان کنسول اول منصوب کرد و عملاً قدرتمندترین فرد فرانسه شد تا آن که پنج سال بعد به مقام امپراتوری فرانسه رسید. وی، اولین دهه‌ی قرن ۱۹ ارتش فرانسه را علیه اکثر قدرت‌های اروپایی هدایت کرد و پس از شش سال از پیروزی‌ها موقعیت فرانسه را به عنوان یکی از قدرت‌های غالب قاره اروپا تثبیت کرد. در این دوره حوزه نفوذ فرانسه از طریق اتحاد‌های متعدد با سایر کشورها و انتصاب دوستان و اعضای خانواده ناپلئون به رهبری دیگر کشورهای تصرف شده توسط فرانسه، گسترش یافت. تاکتیک‌های او باعث پیروزی‌های بسیاری برای ارتش فرانسه در برابر ارتش‌هایی شد که حتی در بعضی موارد از لحاظ تعداد بر ارتش فرانسه برتری داشتند. به همین دلیل وی به عنوان یکی از فرماندهان نظامی تاریخ شناخته شده است.